

۳

جایگاه انرژی گاز در شکل دهی به الگوهای رقابت و همکاری ایران در عرصه بین المللی (۲۰۱۰-۲۰۲۰)

سید محمدکاظم سجادیپور^۱

زهره کربلایی علی ابهری^۲

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

^۱. استاد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه smksajjad@yahoo.com

^۲. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور

خارجه zo.abhari@gmail.com

چکیده

با توجه مصرف فزاینده انرژی توسط اقتصادهای نوظهور، ایران با دارا بودن منابع گازی بزرگ و کسب رتبه دوم جهانی، فرصت خوبی برای افزایش تولید، صادرات و درآمدهای ناشی از صادرات گاز دارد. بدین ترتیب ایران در زمینه گاز با برخی از کشورها رابطه رقابت و همکاری پیدا می‌کند. این ظرفیت‌ها سبب می‌شود تا چنین پرسشی مطرح شود که سهم صادرات گاز ایران در بازارهای بین‌المللی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ از منظر الگوی رقابت و همکاری در عرصه بین‌المللی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ فرضیه پژوهش بدین صورت است که ایران به دلیل حجم پایین صادرات گاز نتوانسته است وارد رقابت با کشورهای روسیه، قطر برای دسترسی به بازارهای بزرگ انرژی هند و چین شود و از صادرات گاز به عنوان یک اهرم مؤثر در سیاست خارجی خود بهره ببرد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی به بررسی جایگاه انرژی گاز در سیاست خارجی ایران می‌پردازد.

• واژگان کلیدی

صادرات گاز، همکاری و رقابت، ایران، روسیه، قطر، هند، چین.

۱- مقدمه

گاز به عنوان یکی از پر استفاده ترین انرژی‌ها اهمیت جهانی دارد؛ ایران از جمله کشورهایی است که ذخایر گازی آن بسیار زیاد بوده و رتبه دوم جهانی را کسب کرده است. ذخایر گازی فراوان ایران زمینه‌ساز افزایش صادرات گاز و استفاده از آن به عنوان یک اهرم قدرت در محیط بین‌الملل می‌باشد. با توجه به نوسانات بازار نفت و ثبات نسبی در بازار گاز، صادرات گاز می‌تواند مکمل مناسب و مطمئنی برای درآمدهای ارزی ایران باشد. اطمینان از بازار صادراتی گاز به دلایل متعددی مهم است از جمله: ۱. صادرات گاز با توجه به شکل آن محدودیت‌هایی در انتقال دارد که سبب می‌شود به بازارهای منطقه‌ای تکیه کرد؛ زیرا انتقال از طریق خط لوله هم-چنان رایج‌ترین روش است و به همین دلیل بازارهای منطقه اهمیت یافته، مشکلات حمل و نقل و انتقال پول را کاهش می‌دهند؛ ۲. تعامل با خریداران منطقه‌ای به دلیل حسن هم‌جواری و وابستگی متقابل آسان‌تر خواهد بود؛ ۳. قدرت‌های اقتصادی آینده جهان (هند و چین) در نزدیکی ایران قرار دارند.

هدف پژوهش پیش‌رو آن است که تأثیر صادرات گاز ایران در روابط سیاسی با چهار کشور روسیه، قطر، هند و چین را از منظر رقابت و همکاری بررسی کند. بدین ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که نسبت صادرات گاز ایران از منظر رقابت و همکاری در عرصه بین‌المللی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی این پژوهش، چگونگی وضعیت گاز در جهان و جایگاه ایران در سامانه جهانی گاز، چگونگی رابطه ایران با مهم‌ترین صادرکنندگان گاز یعنی روسیه و قطر از منظر رقابت و مهم‌ترین خریداران گاز یعنی هند و چین از منظر همکاری از جمله سؤالاتی هستند که به ذهن متبادر می‌شوند. فرضیه پژوهش بدین صورت است که ایران به دلیل حجم پایین صادرات گاز نتوانسته است از آن در ارتباط با چهار کشور روسیه، قطر، هند و چین استفاده کند و صادرات گاز ایران اهرم مؤثری در سیاست خارجی کشور نبوده است.

روش ما در پژوهش حاضر تحلیلی و توصیفی است؛ بدین صورت که این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، و آمارهای رسمی در سایت‌های معتبر انرژی و به صورت استقرایی در انتها تحلیل خود را ارائه می‌کند. بدین معنا که پژوهشگران با استفاده از جزئیات به این نتیجه‌گیری نهایی رسیده‌اند که ایران نتوانسته از انرژی گاز در قدرت و سیاست خارجی خود استفاده کند.

بدین ترتیب، در حالی که ایران در فاصله سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ دومین دارنده ذخایر گاز در دنیا بوده است، به دلیل مصرف بالای گاز در داخل کشور و تحریم‌های آمریکا نتوانسته است صادرات گاز زیادی داشته‌باشد، لذا از ظرفیت صادرات گاز به عنوان یک اهرم در سیاست خارجی خود استفاده نکرده است. در نتیجه، صادرات گاز به دلیل حجم بسیار پایین و دیپلماسی ناکارآمد در روابط خارجی ایران با روسیه، قطر، هند و چین نیز موجب همگرایی نشده است.

۲- پیشینه پژوهش

ابراهیمی، (۱۳۸۶)، در کتاب «صادرات گاز ایران، فرصت‌ها و تهدیدها»، ضمن بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای صادرات گاز ایران، در انتها راه‌کارهایی برای افزایش صادرات ارائه داده است. سلطانی‌فر، (۱۳۸۹)، در کتاب «گاز و نقش آن در توسعه»، به بیان اطلاعات و تحلیلی جامع از وضعیت گاز ایران و جهان، چشم‌انداز آینده مصرف و قیمت گاز و برنامه‌ریزی برای استفاده در بخش‌های مختلف می‌پردازد که مرجع بسیار مناسبی برای پژوهش در حوزه گاز می‌باشد. طریقی و طاهری، (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماسی انرژی در اسناد راهبردی سیاست خارجی ایران»، معتقد است که دیپلماسی انرژی به مثابه بخشی از سیاست کلان کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر است که باید برای افزایش سهم ایران از بازار جهانی اقتصاد تمرکز کند که تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است.

ابراهیم‌پور، (۱۳۹۵)، در مقاله خود با عنوان «رقابت ایران و روسیه در زمینه تامین انرژی جهانی: نگاهی به دوران پساتحریم»، بیان می‌کند که روسیه تمایلی برای ورود ایران به بازار اروپایی‌اش ندارد؛ زیرا مسکو از اهرم گاز به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت خود استفاده می‌کند اما در عوض به صادرات گاز ایران به شرق کمک می‌نماید. روحانی، (۱۳۸۹)، در مقاله «سیاست خارجی و آینده نفت و گاز کشور»، معتقد است که سیاست ایران در زمینه نفت و گاز باید با توجه به چشم‌انداز بیست ساله و به دور از ایجاد فضای تقابلی و امنیتی باشد. سیاست خارجی کشور می‌بایست توسعه‌گرا باشد، یعنی تحقق توسعه در راستای این سه هدف نظام باشد: ۱. جذب منابع بین‌المللی برای توسعه ۲. حفظ ثبات و امنیت کشور؛ ۳. تصویرسازی کشور به عنوان فرصت جمعی (همکاری‌های بین‌المللی).

غفاری، (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «زمینه‌های هم‌گرایی و واگرایی ایران و قطر از منظر بهره‌برداری از منابع نفت و گاز»، با بیان ضرورت دیپلماسی در زمینه نفت و گاز اشاره کرده است که عدم توجه به توسعه روابط و همکاری میان ایران و قطر خسارات جبران‌ناپذیری به دو کشور وارد می‌کند. بهروزی‌فر، (۱۳۸۵)، در کتاب «هند و چین، بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران»، با بیان آمارهای رسمی از مصرف گاز و انرژی در کشورهای مختلف، نتیجه می‌گیرد که این دو کشور ظرفیت‌های زیادی برای واردات گاز از ایران دارند. دیتل^۱، (۱۳۹۹)، در کتاب «بازی بزرگ گاز، نگاهی به روابط هندوستان و تولیدکنندگان گاز طبیعی»، در ابتدا وضعیت گاز را در جهان بررسی کرده و سپس وضعیت، شرایط و رابطه‌ی هند با صادرکنندگان گاز را به شکلی مبسوط بررسی می‌نماید.

بنابراین با بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، نوآوری پژوهش حاضر این است که رابطه صادرات گاز ایران از منظر رقابت و همکاری با چهار کشور روسیه، قطر، هند و چین و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران بررسی می‌شود.

۳- وضعیت گاز در ایران و جهان

گاز طبیعی را می‌توان در نقاط مختلف جهان از جمله آمریکای شمالی، آفریقا، اروپا و خاورمیانه یافت. پراکندگی گاز طبیعی به نسبت نفت متعادل‌تر است اما بازهم خاورمیانه، کشورهای آسیای میانه و روسیه سهم بزرگی از ذخایر گاز را در خود جای داده‌اند. به طوری که نزدیک به ۷۵ درصد از ذخایر کل جهان در کشورهای خاورمیانه و اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد و سه کشور ایران، روسیه و قطر ۵۰/۱ درصد از کل ذخایر جهان را دارند. این در حالی است که بیش‌تر مصرف‌کنندگان گاز در مکان‌هایی دورتر از این کشورها و در اروپا، آمریکا و آسیای شرقی و جنوب شرقی واقع هستند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۹). ویژگی‌های خاص گاز طبیعی سبب شده است تا تجارت گاز در مقایسه با تجارت انواع دیگر انرژی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. یکی از این موارد هزینه‌های بالای حمل‌ونقل گاز طبیعی است که موجب شده است بازارهای مصرف، گاز طبیعی را از کشورهای منطقه که هزینه حمل و نقل پایین‌تری دارند، تهیه کنند. در واقع بازارهای گاز طبیعی بر خلاف بازار نفت بیش‌تر به صورت منطقه‌ای شکل گرفته است.

^۱. Ditel

همین هزینه‌ها باعث شده است که میزان تجارت گاز طبیعی به نسبت مصرف آن پایین‌تر باشد (حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۸)

از جمله مهم‌ترین دلایل روی آوردن جهان به مصرف گاز طبیعی افزایش ذخایر گاز در جهان است که در سال‌های اخیر روند افزایشی پایدار داشته‌است. کشف میدان‌های بزرگ گاز در روسیه مانند اورنگوی^۱، یامبورگ^۲، بوواننکوو^۳ در شبه جزیره یامال^۴ و میدان بزرگ پارس جنوبی در ایران، مشترک با گنبد شمالی قطر سبب افزایش ذخایر گازی در جهان شده‌است^۵ (سلطانی-فر، ۱۳۸۹: ۳۸). از دیگر دلایل افزایش مصرف گاز طبیعی بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ و افزایش قیمت نفت در جهان، مسئله محیط زیست و آلودگی هوا بوده است (سلطانی-فر، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۲). البته برخلاف پیش‌بینی‌های انجام‌شده در سال‌های گذشته که نرخ رشد مصرف گاز را سالیانه ۲/۳ اعلام کرده بودند؛ در سال ۲۰۲۰ به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا و کاهش مصرف سوخت در جهان و زمستان معتدل، همانند سال ۲۰۰۹ مصرف گاز با افت مواجه شد^۶.

براساس داده‌های ارائه شده توسط شرکت بریتیش پترولیوم و بانک جهانی، ۱۰ کشور دارای بیش‌ترین ذخایر گازی، ۱۰ تولیدکننده بزرگ گاز و ۱۰ مصرف‌کننده بزرگ گاز در جهان به صورت جدول‌های ذیل هستند.

جدول ۱: ۱۰ کشور دارنده ی بیشترین ذخایر گازی تا پایان سال ۲۰۲۰ (تریلیون متر مکعب)

ردیف	کشور	تریلیون مترمکعب	درصد(%)
۱	روسیه	۴/۳۷	۹/۱۹
۲	ایران	۱/۳۲	۱/۱۷
۳	قطر	۷/۲۴	۱/۱۳
۴	ترکمنستان	۶/۱۳	۲/۷
۵	ایالات متحده	۶/۱۲	۷/۶
۶	چین	۴/۸	۵/۴
۷	ونزوئلا	۳/۶	۳/۳

1. Urengoy

2. Yamburg

3. Bovanenkovo

4. Yamal

۵. به تازگی یک میدان بزرگ گازی نیز در چالوس کشف شده‌است که میزان ذخایر گاز ایران را افزایش خواهد داد اما به دلیل بازه زمانی خاص در این پژوهش از بررسی ما خارج بوده‌است.

6. www.BP.com/gas&www.IEA.org/gas

جایگاه انرژی گاز در شکل دهی به الگوهای رقابت و همکاری ایران در عرصه بین‌المللی / ۶۱

۲/۳	۰/۶	عربستان سعودی	۸
۲/۳	۹/۵	امارات متحده عربی	۹
۹/۲	۵/۵	نیجریه	۱۰

منبع: www.worldbank.com/data ، www.BP.com/StatisticalReview2021/ natural gas

جدول ۲: ۱۰ تولید کننده بزرگ گاز در جهان تا پایان سال ۲۰۲۰ (میلیارد متر مکعب^۱)

ردیف	کشور	میلیارد مترمکعب	درصد رشد (٪) ۲۰۰۹-۲۰۱۹	درصد رشد (٪) ۲۰۲۰
۱	ایالات متحده	۶/۹۱۴	۲/۵	۹/-۱
۲	روسیه	۵/۶۳۸	۴/۲	۲/-۶
۳	ایران	۸/۲۵۰	۹/۵	۶/۳
۴	چین	۰/۱۹۴	۵/۷	۹/۰
۵	قطر	۳/۱۷۱	۴/۶	۷/-۰
۶	استرالیا	۵/۴۲	۹/۱۱	۷/-۰
۷	عربستان سعودی	۱/۱۱۲	۱/۴	۶/۰
۸	نروژ	۵/۱۱۱	۰/۱	۷/-۲
۹	الجزایر	۵/۸۱	۳/۱	۶/-۶
۱۰	مالزی	۲/۷۳	۸/۱	۹/-۷

منبع: www.worldbank.com/data ، www.BP.com/StatisticalReview2021/ natural gas

جدول ۳: ۱۰ کشور مصرف کننده بزرگ گاز در دنیا تا پایان سال ۲۰۲۰ (میلیارد متر مکعب)

ردیف	کشور	میلیارد مترمکعب	درصد رشد (٪) ۲۰۰۹-۲۰۱۹	درصد رشد (٪) ۲۰۲۰
۱	ایالات متحده	۰/۸۳۲	۲/۳	۳/-۲
۲	روسیه	۴/۴۱۱	۱/۱	۷/-۷
۳	چین	۶/۳۳۰	۱/۱۳	۹/۶
۴	ایران	۱/۲۳۳	۲/۵	۰/۴
۵	کانادا	۶/۱۱۲	۷/۲	۷/-۴

^۱. bcm

۶/۰	۱/۴	۱/۱۱۲	عربستان سعودی	۶
۶/-۳	۶/۱	۴/۱۰۴	ژاپن	۷
۷/-۲	۵/۰	۵/۸۶	آلمان	۸
۲/-۲	۰/۳	۳/۸۶	مکزیک	۹
۵/-۶	۶/-۱	۵/۷۲	انگلستان	۱۰

منبع: www.worldbank.com/data، [www.BP.com/Statistical Review 2021/](http://www.BP.com/StatisticalReview2021/) natural gas

با توجه به جداول ارائه شده ملاحظه می‌شود که ایران از نظر ذخایر گازی در رتبه دوم، و در زمینه تولید و مصرف گاز به ترتیب در رتبه‌های سوم و چهارم قرار دارد. روسیه و قطر نیز به عنوان مهم‌ترین رقبای ایران از نظر ذخایر گاز به ترتیب در رتبه‌های اول و سوم قرار گرفته‌اند. از نظر تولید و مصرف گاز در روسیه، این کشور در رتبه دوم جهان قرار دارد. قطر نیز از نظر تولید گاز در رتبه پنجم قرار گرفته‌است. آمار ارائه شده در خصوص چین، نشان می‌دهد که این کشور از نظر ذخایر گاز در رتبه ششم، و از نظر تولید و مصرف به ترتیب در رتبه چهارم و سوم قرار دارد. در ایران، حدود ۲۲ میدان فعال گاز وجود دارد که ۱۵ میدان آن به صورت میدان مستقل گازی (آغار، دالان، کنگان، نار، تابناک، شانول، وراوی، هما، مزدوران، شوربجه B، شوربجه D دولت‌آباد، گنبدلی، سرخون، گورزین و سراجه)، ۵ میدان، سازندهای گازی میادین نفتی (خامی‌مارون، لب سفید، ژوراسیک مسجد سلیمان، گنبدی پازنان و گنبدی نفت سفید بنگستان) و دو میدان در دریا (پنج فاز پارس جنوبی و سلمان) می‌باشند. علاوه بر این میدان‌ها، منابع گازهای همراه نفت^۱ و گازهای کلاهی^۲ میادین نفتی نیز، ذخایر گازی کشور را تشکیل می‌دهند. میدان پارس جنوبی با ۱۳/۱ تریلیون متر مکعب ذخیره در جای اولیه مهم‌ترین میدان گازی به شمار می‌رود که حدود ۸ درصد کل ذخایر گازی جهان و نزدیک به ۵۰ درصد ذخایر گاز شناخته‌شده کشور را دارا است (سلطانی‌فر، ۱۳۸۹: ۹۸)

۱. با استخراج نفت مقداری گاز همراه نیز با آن به دست می‌آید. پس از تفکیک و پالایش گاز طبیعی همراه با نفت خام می‌توان پروپان و بوتان آن را جدا کرده و به مصرف رساند.

۲. حجمی از لایه مخزن در اعماق زمین را کلاهی گاز یا گنبد گاز نامیده‌اند که در آن گاز در بالای نفت جمع می‌شود. معمولاً کلاهی مرتفع‌ترین یا یکی از مرتفع‌ترین مناطق لایه مخزن به حساب می‌آید. گاز کلاهی به گازی گفته می‌شود که در کلاهی گاز محبوس شده‌باشد (مسعود سلطانی‌فر، گاز و نقش آن در توسعه، (تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۸۰، ۳۲ و ۳۳)

علاوه بر میادین مستقل، ۸ میدان مشترک گازی نیز بین ایران و همسایگانش وجود دارد. میدان گنبدلی در مجاورت کشور ترکمنستان و ۶ میدان آن در خلیج فارس و در مجاورت میادین کشورهای قطر، عربستان سعودی، عمان و امارات متحده عربی قرار دارند. نام میدان-های مشترک با کشورهای حاشیه خلیج فارس به ترتیب از این قرار می‌باشند: پارس جنوبی (قطر)، فارسی (عربستان سعودی)، هنگام (عمان)، سلمان (سازند گازی خوف) و مبارک (سازند گازی یاماما) (امارات متحده عربی). با توجه به مشترک بودن این میادین گازی بین ایران و کشورهای همسایه، تأخیر در توسعه و بهره‌برداری از این میادین سبب برداشت بیشتر آن‌ها از این میادین خواهد شد. بدین ترتیب، اولویت سیاست‌های گسترش و توسعه میادین مشترک نفت و گاز کشور پس از جنگ تحمیلی، توجه ویژه به برداشت از میادین مشترک بوده است (سلطانی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۹۹).

۴- میزان صادرات و واردات گاز طبیعی در ایران

با توجه به داده‌های موجود در سایت بریتیش پترولیوم^۱، ایران هیچ سهمی از صادرات و واردات آن. جی ندارد، در مورد صادرات گاز به وسیله خط لوله نیز تنها مقدار کمی گاز به ترکیه، تعداد محدودی از کشورهای مشترک‌المنافع و تعداد محدودی از کشورهای خاورمیانه صادر می‌شود. مقدار صادرات به کشورهای غیر از ترکیه آن قدر کم است که در آمار بریتیش پترولیوم با عنوان دیگر کشورهای مشترک‌المنافع (ارمنستان، آذربایجان و نخجوان) و دیگر کشورهای خاورمیانه (عراق) عنوان شده است. ناگفته نماند که یکی از دلایل حجم پایین صادرات به کشورهایمانند ارمنستان، عراق، آذربایجان و نخجوان جمعیت پایین آن‌هاست.

همان‌طور که در جدول‌های پیشین مشاهده شد، ایران از نظر تولید و مصرف گاز طبیعی در بالای جدول قرار داشت و با توجه به پایین بودن میزان صادرات گاز، مشخص می‌شود که این مقدار گاز در داخل کشور مصرف می‌شود. علاوه بر مصرف بالای داخلی، تولید گاز در ایران نیز به نسبت ذخایر پایین است زیرا تحریم‌های آمریکا علیه نفت و گاز ایران موسوم به تحریم-های ایسا^۲، اجازه سرمایه‌گذاری و توسعه میدان‌های گازی را نمی‌دهد. مقدار مصرف داخلی آن-

^۱ British Petroleum

^۲ به موجب قانون ایسا که در ایران به نام شخص مطرح‌کننده آن یعنی داماتو معروف است، هر شرکتی که در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار انجام دهد از سوی آمریکا تحریم می‌شود. به عبارتی ایسا یا داماتو تحریم ثانویه علیه ایران است.

چنان بالاست که کشور برای صادرات گاز به ترکیه مجبور به واردات گاز از ترکمنستان شده است. به طوری که اگر واردات گاز از ترکمنستان نبود، کشور قادر به صادرات گاز نمی‌شد. البته واردات گاز از ترکمنستان در سال‌های اخیر نیز به دلیل عدم پرداخت هزینه‌ها از سوی ایران و دیپلماسی ضعیف ایران، قطع شد (خبرگزاری مهر/ ۱۷ تیر ۱۳۹۹). به همین دلیل با بررسی منابع موجود آمار واردات گاز از ترکمنستان به ایران تا سال ۲۰۲۰ موجود نیست و به همین دلیل بریتیش پترولیوم، ایران را تنها به عنوان صادرکننده معرفی کرده است. این در حالی است که در سال‌های پیش به دلیل واردات گاز بیش از صادرات، ایران به عنوان یک واردکننده صرف معرفی شده است.

۵- جایگاه صادرات گاز در سیاست خارجی ایران

مهم‌ترین سند توسعه‌ی کشور «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» می‌باشد. این سند که به‌عنوان چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران نیز شناخته شده، در سال ۱۳۸۲ تصویب و به قوای مختلف ابلاغ گردید تا از ابتدای سال ۱۳۸۴ به‌عنوان مهم‌ترین سند برای قانون‌گذاری و شکل‌دهی به تصمیم‌های کلان نظام و سیاست دولت تبدیل شود. این سند به استراتژیک‌ترین سند توسعه‌ای کشور بوده که تدوین و تصریح آن، اقدامی بسیار مهم در ایجاد هم‌افزایی ارکان مدیریتی کشور در تمامی سطوح جهت تحقق توسعه‌ی پایدار ملی بوده است (علیخانی، ۱۳۹۰: ۲۷). در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله که افق تحقق آن سال ۱۴۰۴ خورشیدی است، موازینی جهت تبیین توسعه افقی ایران در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارائه شده‌است. اهداف مطرح شده در افق ۱۴۰۴ بدین صورت است که «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل». راهبرد اصلی توسعه کشور در این سند، توسعه‌ی دانش‌بنیان است تا ایران بتواند در افق ۱۴۰۴ در رقابت با کشورهای همسایه و منطقه خود در آسیای غربی و قفقاز از دیگران پیشی بگیرد (انتظاری و محجوب، ۱۳۹۲: ۶۶). به بیانی دیگر، سند چشم‌انداز را می‌توان همانند نقشه راهی برای توسعه برون‌گرا و مبتنی بر تعامل مؤثر و سازنده با نظام بین‌الملل توصیف کرد؛ زیرا منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیک ایران، این ظرفیت را دارد که در توسعه ملی و تعامل سازنده با جهان استفاده شود. هدف از توسعه پایدار داخلی در بازه زمانی ۲۰ ساله برای ایران، ارتقای سطح امنیت کشور و تبدیل شدن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در منطقه است.

اما برخلاف انتظارات در طراحی سند چشم‌انداز، جایگاه محسوسی برای موضوع انرژی و دستاوردهای آن برای قدرت‌بخشی به اقتصاد ایران و توسعه‌ی مناسبات خارجی در نظر گرفته نشده است و مفهوم دیپلماسی انرژی دچار غفلتی آشکار شده است. شاید اگر موضوع انرژی در دستور کار سند چشم‌انداز بود، اصلی‌ترین رویکرد برای تحقق آن یعنی جذب سرمایه، کسب فن‌آوری، نوسازی ساختاری و تجهیزات مورد توجه قرار می‌گرفت. بر اساس یک تحلیل، اگر شکل‌دهی به دیپلماسی انرژی، نیازمند برخورداری از سه مؤلفه ساختار، دستور کار و فرآیند باشد. (عسگرخانی، ۱۳۹۰: ۴)، ایران در هر سه زمینه ضعیف عمل کرده‌است. نه تنها ساختارهای کارآمدی به منظور پیشبرد موضوع انرژی در حوزه سیاست خارجی ایجاد نشده - است بلکه موضوع انرژی نیز جزو دستورات اصلی کار در سیاست خارجی قرار نگرفته و در نتیجه الزامات عملیاتی و مفهومی و کاربردی آن نیز استخراج نشده‌اند (طریقی و طاهری، ۱۳۹۷: ۲۷۸-۲۷۷).

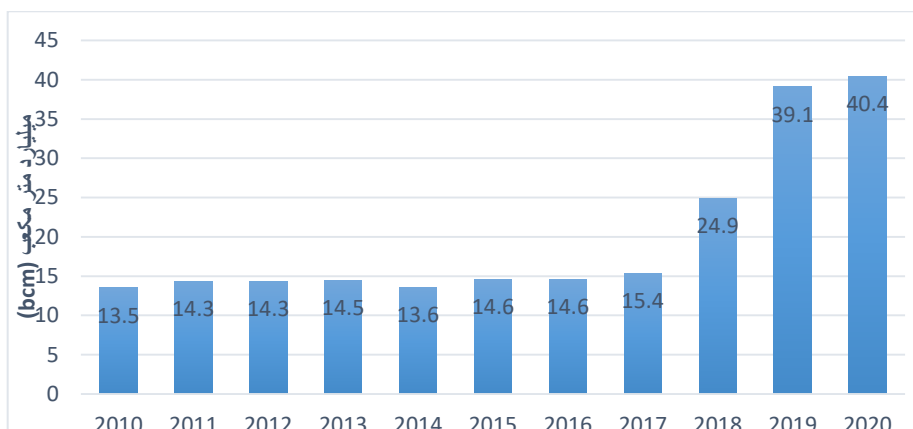
۶- رقبای گازی ایران

مهم‌ترین رقبای ایران در مسئله صادرات گاز دو کشور روسیه و قطر می‌باشند. اهمیت این دو کشور از آن روست که هر دو کشور در میزان ذخایر، تولید و صادرات گاز رتبه‌های نخست جهان را از آن خود کرده‌اند.

الف- وضعیت گاز در روسیه

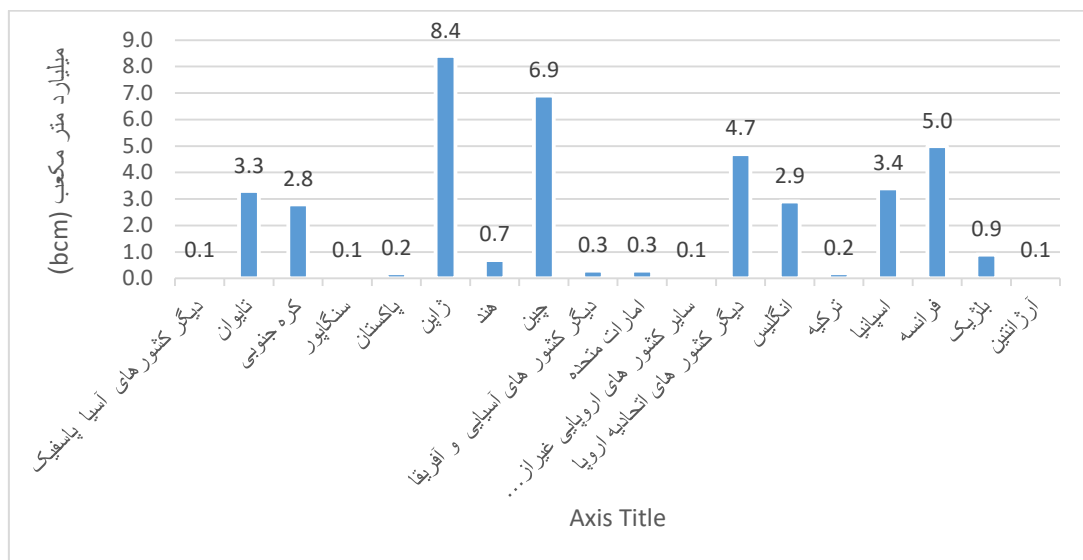
طبق آخرین گزارش شرکت بریتیش پترولیوم در سال ۲۰۲۱ روسیه از نظر ذخایر، تولید و صادرات گاز در رتبه‌های اول و دوم قرار دارد. همین مسئله سبب اهمیت جایگاه روسیه در صادرات گاز جهانی دارد. روسیه با دارا بودن ۳۷/۴ تریلیون متر مکعب و ۱۹/۹ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان، بیشترین سهم از میدان‌های گازی جهان را به خود اختصاص داده و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز در جهان به شمار می‌رود. در نمودارهای ذیل میزان صادرات و واردات گاز به روسیه و مقاصد گاز این کشور مشاهده می‌شود.

نمودار ۱: میزان صادرات گاز ال.ان.جی روسیه در سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ (میلیارد متر مکعب)



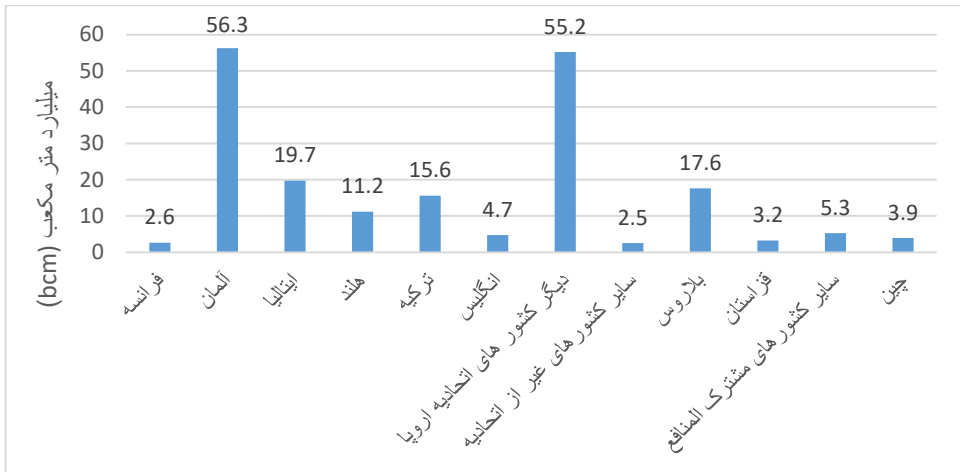
منبع: www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

نمودار ۲: مقاصد ال.ان.جی روسیه (میلیارد متر مکعب)



منبع: www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

نمودار ۳: مقاصد صادرات گاز با خط لوله روسیه در سال ۲۰۲۰ (میلیارد متر مکعب)



منبع: www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

با توجه به نمودارهای فوق درصد رشد سالیانه صادرات ال.ان. جی روسیه در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹، ۱۹٪ و در سال ۲۰۲۰، ۳/۱ درصد بوده است^۱. مهم‌ترین کشورهای دریافت‌کننده ال.ان. جی روسیه نیز کشورهای ژاپن، چین و فرانسه می‌باشند. مهم‌ترین کشورهای دریافت‌کننده گاز با خط لوله روسیه هم آلمان، ایتالیا و بلاروس هستند.

سیاست‌های روسیه در زمینه صادرات گاز بدین صورت است که پس از فروپاشی شوروی، روسیه تمام توان خود را در تولید و صادرات نفت و گاز به کار گرفت تا از طریق برتری در عرضه انرژی بتواند در معادلات بین‌المللی اثر گذار باشد. از جمله مهم‌ترین ابزارهای روسیه در رسیدن به چنین جایگاهی، شرکت گازی «گازپروم»^۲، بزرگ‌ترین شرکت این کشور است. انحصار گازپروم بر صادرات گاز روسیه در سال ۲۰۰۶ تبدیل به قانون ملی شد. هدف اصلی گفته شده برای انحصار گازپروم عبارت است از: محافظت از منافع اقتصادی روسیه، اجرای تعهدات بین‌المللی در مورد صادرات گاز، تضمین وصول درآمدها به صندوق و حفظ تعادل در انرژی روسیه (مسکو تایمز، ۲۰۰۶). این قانون هدف انحصار را منافع اقتصادی بیان می‌دارد که از چند راه تأمین می‌شود. نخست آن که سایر شرکت‌های روسی در بازار گاز اروپا وارد نمی-

^۱ www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

^۲ Gazprom

شوند و نبود رقابت در بازار قیمت‌ها را پایین نمی‌آورد. دوم آن که درآمدهای صادرات گاز تنها به وسیله یک شرکت تحت مالکیت دولت دریافت می‌شود. و در نهایت صادرات گاز یک منبع مهم برای ارتقای جایگاه و نفوذ سیاسی دولت روسیه در عرصه بین‌المللی خواهد بود (شارپلس^۱، ۲۰۱۰).

"امنیت انرژی" نیز نقشی محوری در سیاست‌های صادرات انرژی روسیه دارد که عبارتند از ۱- برتری دولت روسیه در استخراج منابع انرژی داخلی و منابع کشورهای مشترک المنافع، ۲- منحصردن انتقال انرژی کشورهای خارج نزدیک از سوی شرکت‌های روسی، ۳- تنوع بازارهای انرژی و مسیرهای انتقال انرژی به بازارهای مقصد (صیادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۱).

موضوع دیگر برای استراتژی امنیت انرژی روسیه، تقویت نظارت بر منابع انرژی در همه منطقه اوراسیاست. روسیه نمی‌خواهد کشورهای اروپایی به منابع انرژی خزر دست یابند و به همین خاطر قراردادهای طولانی مدت را با کشورهای آسیای مرکزی در مورد خرید و صدور انرژی این کشورها از راه خطوط انتقال انرژی روسیه امضا کرده است (احمدیان و مرادی، ۱۳۹۳: ۶).

نگاه روسیه به انرژی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از یک قدرت سیاسی جهانی و ابزاری قانونی در سیاست خارجی خود است. این کشور با درک الزامات ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل پس از جنگ سرد و با درک این موضوع که اقتصادهای بزرگ صنعتی جهان و از جمله کشورهای آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن بسیار به منابع انرژی روسیه و دریای خزر وابسته هستند، با چرخش تدریجی از ایدئولوژی به ژئواکونومیک، تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از «وجه غالب» در اقتصاد سیاسی این کشور که همان ذخایر بسیار سرشار انرژی هیدروکربنی و هم‌چنین تسلط بر خطوط انتقال انرژی است، نقش یک امپراتور انرژی را که می‌تواند نفت و گاز را به میزان بسیار زیادی در جهان عرضه کند، بازی نماید (صادقی، ۱۳۹۱: ۸).

گاز به‌عنوان ثروت مشترک ایران و روسیه زمینه‌ساز ارتباط متقابل است. این دو کشور در زمینه فروش گاز به اروپا با یکدیگر پیوند می‌خورند؛ زیرا اروپا در زمینه گاز کاملاً به خارج وابسته است و بیش‌تر گاز مورد نیاز خود را از روسیه تأمین می‌کند. روسیه نیز از ذخایر گازی

^۱. sharples

خود در قبال اروپا به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت استفاده کرده و با توجه به اختلافات روسیه با غرب، این کشور از گاز به عنوان یک ابزار تهدید و چانه‌زنی استفاده می‌کند. به همین دلیل اروپا برای تنوع در مبادی انرژی خود به دنبال جایگزین بوده و ایران با توجه به ذخایر گازی زیاد و نزدیکی جغرافیایی یکی از گزینه‌های پیش روی آن‌هاست.

یکی از طرح‌های جایگزین گاز روسیه و دور زدن این کشور برای انتقال گاز به اروپا، خط لوله نابوکو^۱ بود. در ابتدا کشورهای زیادی تأمین‌کننده گاز این خط لوله بودند اما با توجه به ذخایر زیاد گاز ایران و موقعیت جغرافیایی، حضور ایران محتمل‌تر بود. حتی ترکمنستان نیز برای انتقال گاز خود به این خط، پیشنهاد سوآپ^۲ گاز از طریق ایران را مطرح کرده بود. ایران نیز اشتیاق زیادی برای پیوستن به خط لوله نابوکو داشت. در پروژه خط لوله نابوکو بهترین گزینه انتقال گاز ایران کشور ترکیه است؛ زیرا به دلیل صادرات گاز ایران به ترکیه زیرساخت‌های اولیه وجود دارد و از نظر سیاسی نیز ترکیه رابطه خوبی با ایران و اروپا داشته است. ترکیه با توجه به این‌که در یک منطقه استراتژیک و در تقاطع بین کشورهای نفت خیز اتحاد جماهیر شوروی سابق در اطراف دریای خزر و کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس با مراکز تقاضای اروپا به عنوان دومین بازار بزرگ گاز طبیعی جهان واقع شده است. ترکیه علاوه بر این‌که دارای بازار بزرگی برای مصرف انرژی است، نقش مهمی در انتقال نفت و گاز به بازارهای اروپا ایفا می‌کند و در حال تبدیل شدن به مرکزی مهم برای معامله نفت خام و گاز طبیعی منطقه دریای خزر و خلیج فارس به کشورهای عضو اتحادیه اروپا است (وره‌رامی و تهرانی، ۱۳۹۷: ۷).

پس از فشارهای آمریکا و مشکلات سیاسی و تحریم ایران، ایران از طرح اولیه پروژه نابوکو^۳ کنار گذاشته شد و خط لوله از آذربایجان می‌گذشت؛ گاز مورد نیاز نیز توسط ترکمنستان، آذربایجان و عراق تأمین می‌شد. اما روسیه، پروژه خط لوله نابوکو را رقیب خود و مانعی برای ابزار تهدید خود یعنی گاز می‌بیند، به همین علت همواره با این پروژه مخالف بوده و در به نتیجه رسیدن آن کارشکنی کرده است.^۴ به همین دلیل پروژه نابوکو هیچ‌گاه اجرایی نشد. اگرچه ایران نتوانست در نابوکو حضور یابد اما ناکامی ایران و روسیه در پروژه نابوکو می‌تواند

^۱. Nabucco

^۲. سوآپ گاز بدین معناست که دولت یا تجار بخش خصوصی گاز را در یک مرز کشور از همسایگان دریافت می‌کند و در مرز دیگر به افراد مورد نظر آنان تحویل می‌دهد.

^۳. Nabucco

^۴. (برگرفته از مصاحبه نگارندگان با آقای محمد حسین عادل، دبیر اسبق مجمع کشورهای صادرکننده گاز)

عامل هم‌گرایی دو کشور باشد. بدین ترتیب که اگرچه کشورهای متعددی تأمین‌کننده گاز نابوکو هستند اما ذخایر گازی آن‌ها به نسبت ایران بسیار ناچیز است و دیر یا زود منابع گازی آن‌ها به پایان رسیده و به دنبال جایگزین خواهند بود. حتی ترکمنستان برای پیوستن به نابوکو نیازمند گذر از خاک ایران یا سوآپ گاز است. در نتیجه ایران به دلیل نزدیکی و ذخایر گازی فراوان بهترین جایگزین خواهد بود، کما این‌که در طرح‌های اولیه ایران به عنوان تأمین‌کننده گاز نابوکو مطرح بوده‌است. از طرفی روسیه نیز تمایلی به جایگزینی کشور دیگر در بازار سنتی گاز خود یعنی اروپا ندارد؛ ایران نیز می‌تواند بازار اروپا را با کشورهای شرق آسیا مانند هند و چین که رشد اقتصادی و مصرف انرژی به مراتب بیشتر از اروپا دارند جایگزین کند و در ازای این چشم‌پوشی از طریق دیپلماسی انرژی، از روسیه امتیازات مورد نظر خود را بگیرد. دیگر عامل هم‌گرایی دو کشور مخالفت با غرب و تحریم‌های همیشگی ایران و روسیه از جانب آن‌ها بوده‌است. مخالفت با غرب و حضور در منطقه‌ای مشترک، منافع مشترکی را برای دو کشور به وجود می‌آورد که سبب می‌شود دو کشور از نظر سیاسی به یکدیگر نزدیک شوند. بدین ترتیب، دو کشور می‌توانند با هم‌سو کردن سیاست‌ها در بخش انرژی به طور خاص گاز، به نتایج بسیار خوبی در سطح بین‌المللی دست یابند. به‌عنوان مثال همکاری در بخش فن‌آوری، سرمایه‌گذاری و توسعه میدان‌های گازی سبب بالا رفتن تولید و به دست گرفتن بازار گاز خواهد شد.

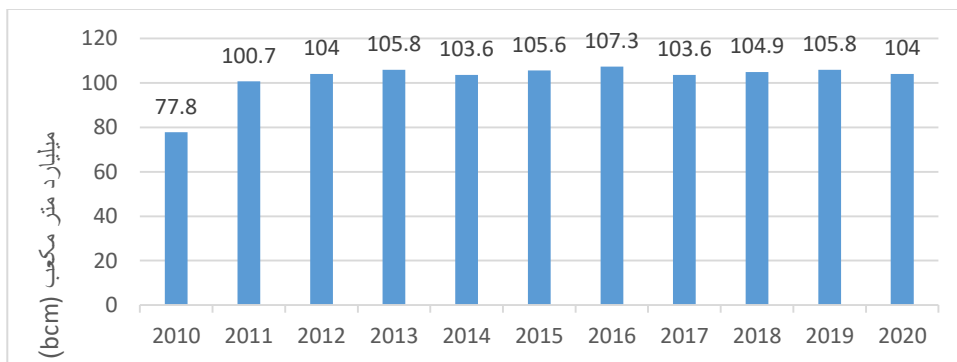
البته دو کشور در زمینه‌هایی دچار واگرایی هستند. بر اساس نظریه واقع‌گرایی دولت‌ها بازیگران عاقلی هستند که بر اساس منافع خود عمل می‌کنند. تصور اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه به سبب منافع ملی متناقض دو طرف در برخی موارد ناممکن است. هر چند ایران خواستار رسیدن به اتحادی راهبردی با روسیه است اما روس‌ها نشان داده‌اند که در بزنگاه‌های مهم ایران را تنها گذاشته‌اند. بارزترین آن‌ها آخرین قطعنامه شورای امنیت پیش از برجام بود که روس‌ها نیز رأی مثبت دادند. علاوه بر این روسیه هیچ‌گاه قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران را وتو نکرده‌است (کشاورز ترک و ادیب‌مهر، ۱۳۹۸: ۵۱۴-۵۱۳)؛ زیرا روس‌ها با کشورهایی اتحاد استراتژیک برقرار می‌کنند که سیاست خارجی خود را در چهارچوب استراتژی راهبردی روسیه و به عنوان اقرار این کشور تعریف کنند و این شاخص‌ها با تمامی شاخص‌های روسیه در قالب یک قدرت جهانی بزرگ هماهنگی داشته باشد. روسیه به دنبال کسب جایگاه ابرقدرتی در جهان است و وجود هرگونه رقیب برای مشارکت را برنمی‌تابد، هرچند در عرصه نظام بین‌الملل قائل به نظام چند قطبی برای ایجاد توازن در برابر سلطه آمریکا است (ادومیت، ۲۰۰۶: ۸)، اما

این موضوع دلیلی بر نادیده گرفتن رقبای منطقه‌ای نیست. بنابراین روسیه به دنبال منافع و امنیت خود است و حمایتش از ایران در راستای منافع خود می‌باشد، در نتیجه این حمایت‌ها مقطعی و سطحی خواهد بود (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۵: ۳۸).

ب- وضعیت گاز در قطر

قطر سومین دارنده ذخایر گازی در جهان است. بر اساس آمار بریتیش پترولیوم در سال ۲۰۲۱، قطر ۲۴/۷ تریلیون متر مکعب و ۱۳/۱ درصد ذخایر گاز جهان را به خود اختصاص داده که بزرگ‌ترین میدان آن گنبد شمالی (در ایران: پارس جنوبی)، مشترک با ایران است. علاوه بر این قطر بزرگ‌ترین صادرکننده ال.ان.جی در جهان است و این دو موضوع سبب اهمیت قطر در زمینه گاز شده است؛ دلیلی که قطر نمی‌تواند همانند ایران گاز را به صورت طبیعی و از طریق خط لوله منتقل کند این است که این کشور با شکلی همچون شبه جزیره در دریا محصور شده و امکان ایجاد خط لوله از زیر دریا برایش بسیار مشکل است. از این رو مجبور است گاز خود را به صورت ال.ان.جی درآورده و سپس صادر کند. تا پایان سال ۲۰۲۰ قطر ۱۰۶/۱ میلیارد متر مکعب^۱ گاز صادر کرده است. رشد سالانه ال.ان.جی در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، ۷/۴ درصد بوده است اما رشد سالانه سال ۲۰۲۰، صفر درصد شده است. مهم‌ترین مقاصد ال.ان.جی قطر به ترتیب هند، ژاپن، چین، انگلستان و ایتالیا بوده است. در نمودارهای ذیل صادرات و مقاصد صادرات ال.ان.جی قطر نشان داده شده است.

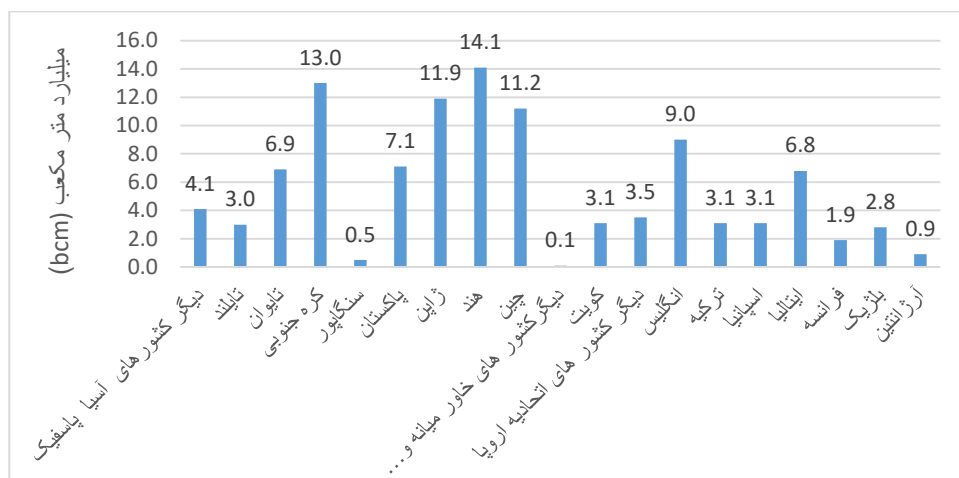
نمودار ۴: میزان صادرات ال.ان.جی قطر در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ (میلیارد متر مکعب)



منبع: www.BP.com/ Statistical Review 2021/ natural gas

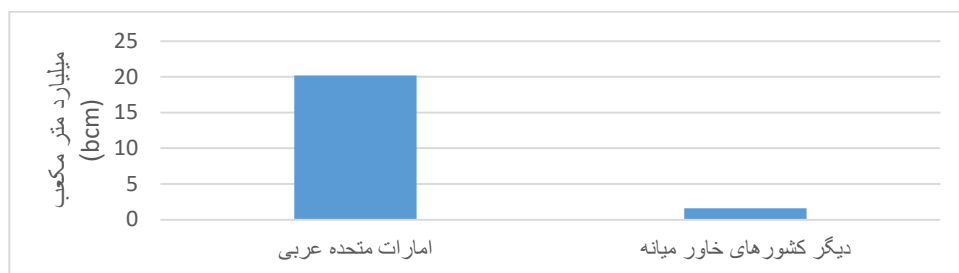
^۱. bcm

نمودار ۵: مقاصد ال.ان.جی قطر



منبع: www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

نمودار ۶: مقاصد صادرات گاز قطر با خط لوله



منبع: www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

سیاست‌های قطر در زمینه صادرات گاز به این صورت است که قطر از سال ۲۰۰۶ رهبر صادرات ال.ان.جی در جهان است و در سال ۲۰۱۴، ۳۱ درصد از سهم بازار را به خود اختصاص داده بود. این سهم در سال ۲۰۱۹، به علت رشد قابل توجه صادرات ال.ان.جی از استرالیا و آمریکا به ۲۲ درصد از سهم بازار کاهش یافته است. بدین ترتیب بر اساس آمار بریتیش پترولیوم درصد رشد تولید ال.ان.جی در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹، ۷/۴ درصد و در سال ۲۰۲۰ صفر درصد بوده است (BP, 2021). اقتصاد قطر نیز مانند بسیاری از همسایگانش،

انرژی محور است و درصد زیادی از درآمدهای این کشور از فروش محصولات هیدروکربنی می‌باشد (موسوی، ۱۳۹۳: ۸).

نوع نگاه قطر به مفهوم امنیت انرژی در مقام یک کشور عرضه‌کننده، بر اساس امنیت تقاضا و امنیت انتقال برای گاز طبیعی به وجود آمده است. برخلاف پنج دولت عضو شورای همکاری خلیج فارس که با کسری منابع گاز طبیعی مواجه هستند، قطر یک منبع عرضه مناسب در اختیار دارد. با این وجود مسافت نزدیک و روابط دوستانه در شبه جزیره عربی نتوانسته زمینه‌ساز تجارت مطلوب فرامرزی برای صادرات گاز طبیعی به وجود آورد. دلایل مختلفی برای این مشکل وجود دارد که به قیمت‌گذاری پایین نهادینه شده در شورای همکاری خلیج فارس مربوط می‌شود. همچنین مسایل و مشکلات قطری‌ها در شورای همکاری به ویژه اختلافات با عربستان امکان احداث هرگونه خط لوله برای انتقال گاز طبیعی (به ویژه از خاک عربستان) را از بین برده است.

مشکلات سیاسی موجود ظرفیت لازم برای انجام طرح‌های جایگزین صادرات گاز به صورت ال. ان. جی را فراهم کرد، زیرا صادرات به صورت ال. ان. جی نیاز به گذر از خاک هیچ یک از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را نداشت (کرین و رایت^۱، ۲۰۱۴: ۵). از طرفی دیگر، وابستگی کشورها به گاز قطر، آن‌ها را به ذی‌نفعانی در ثبات سیاسی داخلی و امنیت خارجی قطر تبدیل می‌کند. در حقیقت، حکومت قطر از سیاست انرژی در راستای به‌وجود آوردن روابط استراتژیک برای تأمین نیازهای امنیتی خود کمک گرفت. این روابط استقلال عمل قطر را افزایش داد و قطر را به «چارچوب امنیت متنوع شده» مجهز کرد که در مسیر آن، اهمیت روابط انرژی با قدرت‌های آسیایی و اروپایی اهمیت می‌یابد. این روابط و قراردادهای حاصل از آن برای این کشورها یک انگیزه قوی در جهت حفظ امنیت و ثبات جریان منابع قطر ایجاد می‌کند که سبب می‌شود ظرفیت ژئوپلیتیکی قطر افزایش یابد (همان، ۲۰). بدین ترتیب قطر با دوری از نگاه ایدئولوژیک، برقراری ارتباط‌های دو جانبه مستحکم سیاسی، نظامی و اقتصادی با کشورهای بزرگ جهان که مصرف‌کننده انرژی هستند را سرلوحه سیاست‌های صادرات گاز خود قرار داد. بر اساس این رویکرد، قطر امنیت انرژی را در چارچوبی برد-برد برای طرفین تعریف کرد که از خلال «وابستگی متقابل» ایجاد شده در همکاری‌های اقتصادی، زمینه بهره‌برداری از منابع انرژی به سود توسعه اقتصادی طرفین عرضه و تقاضا را فراهم سازد (چیت‌ساز زاده و حسن‌تاش، ۱۳۹۹: ۵۲-۵۰).

^۱. Krane and Wright

همان‌طور گفته شد سیاست خارجی قطر مبتنی بر روابط دوستانه با کشورهای منطقه است تا بتواند نقش مؤثر و مهمی در معادلات بین‌المللی ایفا کند. بدین ترتیب قطر با ایران و عربستان که به ظاهر اختلافاتی با یکدیگر دارند روابط خوب و حسنه‌ای داشته است. اما پس از اختلافاتی که قطر با عربستان در مسائل گوناگون پیدا کرد، عربستان و متحدانش، قطر را تحریم کردند. پس از این تحریم رابطه‌ی ایران و قطر به یکدیگر نزدیک شد؛ زیرا ایران تنها مسیر برای حمل-ونقل قطر بود به طوری که حجم صادرات به قطر در سال ۲۰۱۷ به نسبت سال‌های گذشته ۵ برابر شد، اما هم‌چنان ایران از سایر رقبای خود در قطر مانند ترکیه، چین، آمریکا و هند عقب بود. عمر این دستاورد اقتصادی و سیاسی بسیار کوتاه بود؛ زیرا روابط کشورهای عربی با قطر در سال ۲۰۲۰ به حالت عادی برگشت و قطر همانند گذشته نیاز چندانی به ایران نخواهد داشت.^۱

قطع رابطه عربستان و قطر فرصت مناسبی برای ایران به وجود آورد تا سیاست‌های دو کشور به یکدیگر نزدیک شود، اما پاره‌ای از مسائل مانند وجود پایگاه نظامی آمریکا در قطر و حاشیه‌های ترور سردار سلیمانی (گفته می‌شد ترور شهید سلیمانی از این پایگاه صورت گرفته است) دوباره روابط دو کشور را با سردی همراه کرد. علاوه بر آن که عربستان در سال ۲۰۲۰ با تجدید نظر در مورد قطر سبب شد تا وابستگی‌های جغرافیایی قطر به ایران کاسته شود. رابطه ایران و قطر در زمینه صادرات گاز از جنبه‌های دیگری نیز دچار هم‌گرایی است. هر دو کشور از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز در جهان بوده که بزرگ‌ترین میدان گازی مستقل جهان یعنی پارس جنوبی و گنبد شمالی بین این دو کشور مشترک است. این اشتراک خواه ناخواه منافع مشترکی بین دو کشور به وجود می‌آورد.

دو کشور می‌توانند با کنترل عرضه و مدیریت قیمت گاز، ثبات و امنیت تقاضای مؤثر از سوی مصرف‌کنندگان را کنترل کنند و نقش مؤثری در بازار گاز داشته باشند. حضور دو کشور در مجمع کشورهای صادرکننده گاز از عوامل مؤثر بر همگرایی دو کشور است. اگر چه سیاست کلی قطر مبتنی بر روابط دوستانه با دیگران و به عبارتی بازیگری نقش میانجی است اما عدم هماهنگی در برداشت و صادرات گاز از میدان مشترک گازی بین ایران و قطر و تنش‌های سیاسی ناشی از ارتباط قطر و آمریکا و وجود یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا (العدید) زمینه‌ساز واگرایی ارتباط دو کشور است (غفاری، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۰۴).

^۱ سایت خبری دیپلماسی ایرانی، ۶ خرداد ۱۴۰۰، کد خبر: ۲۰۰۲۸۵۳

ترور سردار ایرانی، شهید قاسم سلیمانی در سال ۲۰۲۰ و کنترل این ترور از پایگاه العدید قطر پس از کمک‌های حیاتی ایران به قطر، نیز تا حدودی بر سردی روابط دو کشور افزود. اگرچه قطری-ها این اتهام را از خود رد کردند، اما این ترور همواره در یاد ایرانیان باقی خواهد ماند.

۷- همکاری‌های گازی ایران

ایران در زمینه صادرات گاز می‌تواند با چند کشور مهم رابطه همکاری داشته باشد. در این پژوهش هند و چین به عنوان مهم‌ترین کشورهای خریدار گاز بررسی شده‌اند. اهمیت کشورهای یادشده از آن روست که این دو کشور، اقتصادهای رو به رشدی هستند که مصرف انرژی و خصوصاً گاز در آن‌ها بالاست. نزدیکی جغرافیایی این دو کشور به ایران نیز آن‌ها را به بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران تبدیل کرده است.

الف - ایران و صادرات گاز به هند

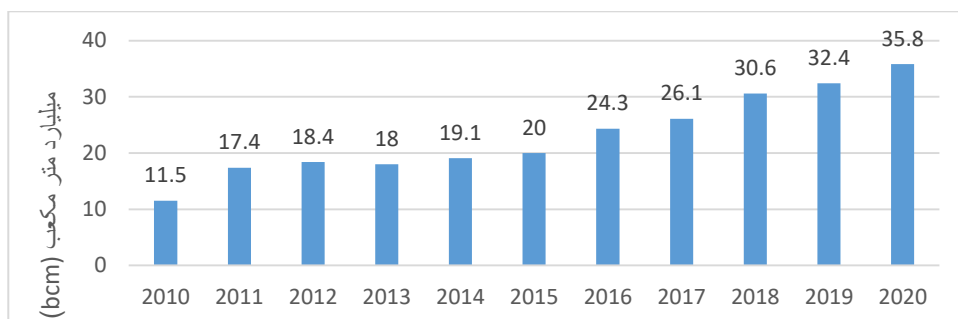
ایران می‌تواند تأمین‌کننده گاز در غرب هند، بنگلادش و میانمار تأمین‌کننده شرق هند و آسیای مرکزی گاز مورد نیاز شمال هند را تأمین کند. با توجه به رشد اقتصادی بالا و کمبود عرضه داخلی هیدروکربن‌ها، پیگیری گزینه عرضه از طریق خط لوله از همه‌ی منابع دسترس‌پذیر همسایگان، مزایای متقابلی برای هندوستان خواهد داشت (دیتل^۱، ۱۳۹۹: ۲۰۳). استفاده از خط لوله در تأمین گاز مسئله‌ای است که در سند انرژی ۲۰۲۵ هند نیز به آن اشاره شده است (همان: ۲۰۷). با این حال اگرچه هندوستان سرمایه‌گذاری‌های زیادی در بخش ال.ان.جی و اکتشاف نفت و گاز دارد اما هنوز یک خط لوله فرامرزی، چه ورودی و چه خروجی ندارد. شمار خطوط لوله درون مرزی نیز بسیار اندک است (همان: ۲۱۲).

بر اساس داده‌های بریتیش پترولیوم واردات گاز در هند در نمودار زیر نشان داده شده که رشد قابل توجهی داشته است به صورتی که درصد رشد سالانه واردات گاز هند به صورت ال.ان.جی در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹، ۹/۶ درصد و در سال ۲۰۲۰، ۱۰/۲ درصد بوده است

(BP,2021)

^۱. Ditel

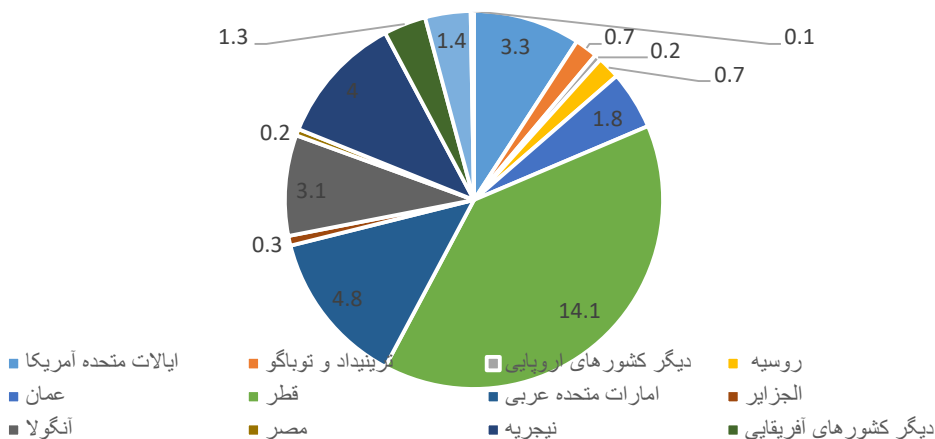
نمودار ۷: واردات گاز هند به صورت ال.ان.جی در سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۰



منبع: www.BP.com / Statistical Review 2021/ natural gas

از آن جا که هند از جمله اقتصادهای نوظهور است، به منابع انرژی زیادی نیاز دارد. مهم-ترین کشورهای تأمین کننده گاز در هند در نمودار ذیل نشان داده شده است. به دلیل نبود زیرساخت های لازم برای انتقال گاز با خط لوله در هند و اختلافاتی که میان هند با صادرکنندگان گاز با خط لوله وجود دارد، گاز مورد نیاز این کشور تنها به صورت ال.ان.جی تأمین می شود و هند هیچ گونه واردات با خط لوله ندارد.

نمودار ۸: کشورهای تامین کننده گاز هند به صورت ال.ان.جی (میلارد متر مکعب (bcm))



منبع: www.BP.com / Statistical Review 2021/ natural gas

با توجه به نمودار قبل، مهم‌ترین کشور تأمین‌کننده گاز هند، قطر می‌باشد و پس از آن امارات متحده عربی و نیجریه هستند.

مهم‌ترین پروژه گازرسانی به هند خط لوله صلح است. گفت‌وگوها بر سر طرح خط لوله گاز ایران-پاکستان-هند (آی پی آی) که به خط لوله صلح معروف است، نزدیک به دو دهه است که پیگیری می‌شود. این طرح از آن رو خط لوله صلح نامیده می‌شود که با توجه به اختلافات دیرینه هند و پاکستان، وجود منافع مشترک و حفظ امنیت خطوط لوله سبب کنار گذاشتن اختلافات و پشتیبانی از خطوط لوله گاز خواهد شد. آغاز این گفت‌وگوها به سال ۱۹۹۸ برمی‌گردد اما به دلیل اختلافات هند و پاکستان، مسئله‌ی قیمت‌گذاری و مخالفت و کارشکنی آمریکا با این طرح، هیچ‌گاه به نتیجه نرسید؛ زیرا هند به دنبال آن بود که گاز ایران را ارزان بخرد و مخالفت آمریکا نیز از آن جهت بود که صادرات گاز ایران به هند بر قدرت منطقه‌ای ایران می‌افزود از جمله مخالفت‌های آمریکا در به ثمر رسیدن این طرح، انعقاد قرارداد انرژی میان هند و آمریکا و در نتیجه آن ۲ مرتبه رأی منفی هند علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ بود. علاوه بر این تحریم‌های یک جانبه آمریکا به موجب دستور اجرایی ۱۲۹۵۹، که در آن شرکت‌های آمریکایی نمی‌توانند واردبازار گاز ایران شوند و تحریم‌های ثانویه ایسا (داماتو) که به موجب آن شرکت‌های خارجی مجبور هستند بین ایران یا آمریکا یکی را انتخاب کنند، از جمله موارد مختل‌کننده این طرح بوده‌اند. در مدت زمان بررسی و عقد قرارداد بین هند و پاکستان نیز مقامات آمریکایی بارها به این دو کشور سفر کرده و با تهدید و تطمیع، خواستار آن شده‌اند که هند و پاکستان از خرید گاز ایران منصرف شوند و به گزینه‌های جایگزین مانند گاز آسیای مرکزی و خرید ال.ان.جی از قطر روی آورند (دیتل، پیشین: ۲۲۰-۲۱۷).

با وجود تمام مشکلات و مسائل خط لوله صلح هندی‌ها همواره ایران را بهترین گزینه برای تأمین انرژی خود می‌دانند؛ زیرا گزینه بعدی هند خرید گاز از ترکمنستان است که این خط لوله نیز گذر از افغانستان و پاکستان هم‌چنان مشکلات امنیتی را دارد، علاوه بر آن که ذخایر گازی و تولید ترکمنستان به اندازه‌ای نیست که بتواند در طول مدت قرارداد (قراردادهای گازی معمولاً ۲۰ ساله هستند) جواب‌گوی نیاز هند باشد. در نتیجه، ایران بهترین گزینه برای تأمین بخشی از نیاز هند می‌باشد؛ زیرا هم از نظر مسافت به هند نزدیک است و هم ذخایر عظیم گاز در ایران می‌تواند جواب‌گوی نیاز بلندمدت هند باشد. تنها مشکل موجود تولید اندک و مصرف

بالای گاز در داخل ایران است که ممکن است صادرات گاز را متوقف کند؛ اتفاقی که درباره ترکیه در سال ۱۳۸۶ افتاد. البته این مشکل با سرمایه‌گذاری هند در بخش گاز ایران حل شدنی خواهد بود. بدین ترتیب، ایران نیز به شرط آن که هندی‌ها بر قیمت پایین گاز اصرار نورزند یک معامله برد-برد خواهد بود. نقش ایران در جایگاه عرضه‌کننده گاز و به وجود آورنده صلح میان دو دشمن دیرینه هند و پاکستان، قدرت سیاسی ایران در منطقه و به تبع آن جایگاه و تأثیرگذاری بین‌المللی را افزایش خواهد داد. جذابیت خرید گاز از ایران به اندازه‌ای زیاد است که حتی شرکت‌های خصوصی هند نیز به دنبال خرید گاز از ایران هستند. بدین ترتیب اگر هند بتواند به صورت مستقل عمل کند می‌تواند در زمینه خرید و سرمایه‌گذاری در گاز ایران موفق باشد (همان: ۱۱۸-۱۱۷).

ب- ایران و صادرات گاز به چین

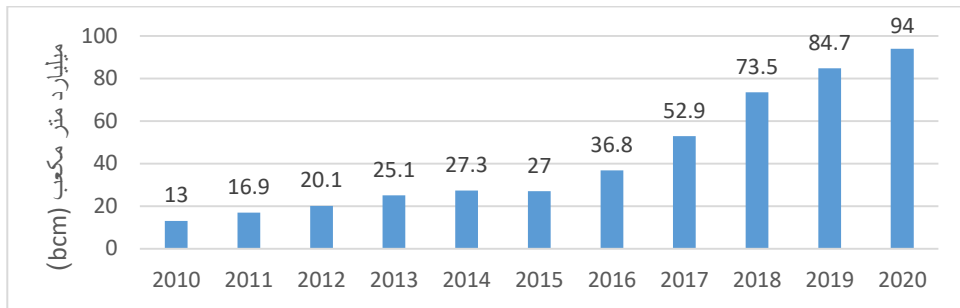
چین از اقتصادهای نوظهور در جهان است که به گزارش صندوق بین‌المللی پول با نرخ رشد اقتصادی ۸/۱، در مقام دوم جهان قرار دارد. به‌طوری که حتی در سال ۲۰۲۰ و بحران کرونا که رشد اقتصادی همه کشورهای صنعتی منفی بود؛ شاخص رشد اقتصاد چین مثبت ارزیابی شده بود.^۱ چنین رشد اقتصادی نیازمند مصرف انرژی زیادی می‌باشد. به دلیل وجود معادن زغال-سنگ فراوان در چین، سوخت غالب در این کشور زغال‌سنگ می‌باشد اما به دلیل مسائل زیست‌محیطی و آلودگی شدید شهرهای چین، این کشور در سال‌های اخیر به مصرف انرژی‌های پاک روی آورده‌است. از مهم‌ترین دلایل افزایش مصرف گاز در چین می‌توان به رشد اقتصادی بالا و نیاز به سوخت بیشتر، افزایش جمعیت شهرنشین، بالارفتن سطح زندگی و رفاه مردم این کشور و افزایش تقاضا برای هوای پاک و فشارهای بین‌المللی برای کاهش مصرف زغال‌سنگ و کاهش کربن دی‌اکسید اشاره کرد (بی‌نا، ۱۳۹۳: ۱۳). بدین ترتیب مصرف گاز طبیعی در چین در سال‌های اخیر افزایش یافته‌است. اگرچه چین با دارا بودن ۸/۴ تریلیون متر مکعب تا پایان سال ۲۰۲۰ ششمین کشور دارای ذخایر گازی است اما به دلیل مصرف ۳۳۰/۶ میلیارد متر مکعب^۲ تا پایان سال ۲۰۲۰ و احراز رتبه دوم مصرف گاز نیازمند واردات گاز است؛ زیرا تولید آن‌ها تا پایان سال ۲۰۲۰، ۱۹۴ میلیارد متر مکعب بوده‌است و تولید آن‌ها جواب‌گوی مصرف

1. www.IMF.org

2. bcm

داخلی شان نیست. بدین ترتیب چین ناگزیر به واردات گاز می‌باشد. در نمودار ذیل واردات گاز به چین ملاحظه می‌شود.

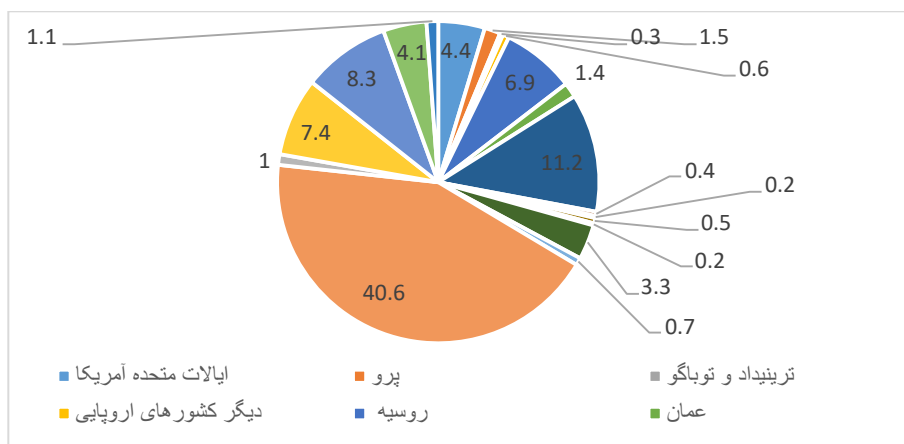
نمودار ۹: واردات گاز به چین به صورت ال.ان.جی (میلیارد متر مکعب)



منبع: [www.BP.com/Statistical Review 2021/ natural gas](http://www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas)

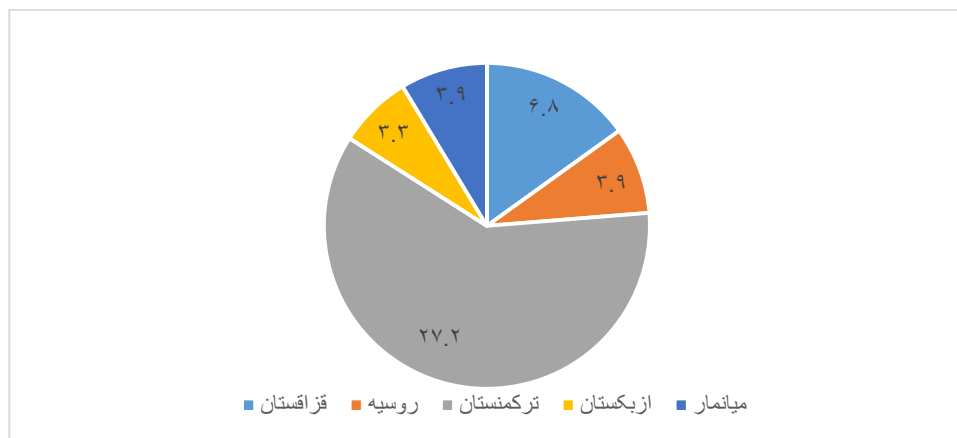
بنا به گزارش شرکت بریتیش پترولیوم اگرچه کشور چین حجم بسیار زیادی از گاز مصرفی خود را در داخل تولید می‌کند اما با توجه به مصرف بالای گاز در این کشور واردات گاز نیز بسیار بالاست به طوری که در پایان سال ۲۰۲۰ میزان واردات گاز به صورت ال.ان.جی به چین ۹۴ میلیارد متر مکعب (bcm) و با خط لوله ۴۵/۱ میلیارد متر مکعب (bcm) بوده است ([www.BP.com/ statistical review of world energy/ natural gas](http://www.BP.com/statisticalreviewofworldenergy/naturalgas)) واردات گاز به چین از دو طریق خط لوله و ال.ان.جی صورت می‌گیرد؛ در نمودارها ذیل کشورهای تأمین‌کننده گاز چین نشان داده شده‌اند.

نمودار ۱۰: کشور های تامین کننده ال.ان.جی چین



منبع: www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

نمودار ۱۱: کشور های تامین کننده گاز چین با خط لوله



منبع: www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

از جمله سیاست‌های چین در تأمین گاز مورد نیاز خود، نگاه به آسیای مرکزی است. این کشور در زمینه دستیابی به منابع همسایگان خود نسبت به رقبا مزایای نسبی نیز دارد؛ دولت‌های آسیای مرکزی نگاهی مثبت به چین داشته و علاقه‌مند به همکاری با این کشور هستند. زیرا چین از نظر اقتصادی قدرتمند است و در سیاست‌های داخلی آن‌ها دخالت

نمی‌کند. در این راستا یکی از مهم‌ترین کشورها که علاقه‌مند فروش گاز خود به چین است ترکمنستان بوده که ذخایر گاز زیادی نیز دارد. پس از ساخت خط لوله گاز ترکمنستان به چین، این خط لوله سبب تغییر در نقشه خطوط گاز جهانی شد و روسیه را که همواره انحصار انرژی در آسیای مرکزی را داشت مجبور به تجدید نظر در سیاست‌های انرژی خود کرد (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۶-۵) خط لوله گاز از آسیای مرکزی به چین برای ایران نیز نتایج مثبت و منفی به دنبال دارد زیرا تأمین گاز چین از آسیای مرکزی رقابت را برای ایران دشوار کرده و از طرفی زیرساخت‌های لازم برای صادرات گاز ایران فراهم می‌آورد. قزاقستان، ازبکستان و میانمار نیز از جمله کشورهای تأمین‌کننده گاز چین هستند.

علاوه بر کشورهای فوق، واردات گاز از روسیه هم از مهم‌ترین اقدامات چین در زمینه تأمین گاز بوده‌است که در ابتدا دو کشور اختلافاتی داشتند اما منافع مشترک حاصل از این همکاری دو کشور را به سمت قرار داد سوق داد. چنین قراردادی برای دو کشور بسیار مهم و حیاتی است. اهمیت صادرات گاز برای روسیه از آن جهت است که با فروش گاز درآمد زیادی کسب می‌کند و با توجه به تنش‌ها و اختلافاتی که با اروپا دارد، صادرات گاز به چین امنیت تقاضای گاز را فراهم کرده و از فشارهای وارد شده به این کشور می‌کاهد. چین نیز با توجه به رشد اقتصادی بالا و نیاز روزافزون به انرژی، با تنوع در مبادی عرضه گاز امنیت عرضه گاز خود را تأمین می‌کند (بی‌نا، ۱۳۹۳: ۲۱-۱۸).

واردات گاز طبیعی چین به صورت ال.ان.جی از سال ۲۰۰۶ آغاز و رشد تقاضای گاز در این کشور باعث شد تا روند واردات آن همواره رو به رشد باشد، به گونه‌ای که اکنون چین یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان ال.ان.جی در جهان به شمار می‌آید. این کشور در سال ۲۰۲۰ بیش از نیمی از گاز مصرفی وارداتی خود را از این طریق تأمین کرده است. میزان واردات گاز به صورت ال.ان.جی ۹۴ میلیارد متر مکعب (bcm) بوده که رشد ۱۰/۶ درصدی نسبت به سال گذشته داشته است. رشد واردات ال.ان.جی در دوره ده ساله سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ نیز ۲۶/۶ درصد بوده است.^۱

با توجه به ظرفیت‌های بازار پر اشتها چین، تهران و پکن همکاری‌های تجاری گسترده‌ای دارند اما در زمینه انرژی گاز تاکنون موفق نبوده‌اند و چین تمرکز خود را بر منابع گازی کشورهای آسیای مرکزی گذاشته است. در این بین، برخی عوامل مانند فاصله زیاد بین ایران و چین، تجارت گاز را بین دو کشور از طریق خط لوله با مشکل مواجه ساخته است. زیرا احداث خط لوله در خشکی نیازمند توافق با کشورهایایی است که در مسیر خط لوله قرار دارند؛ پاکستان

^۱. www.BP.com/StatisticalReview2021/naturalgas

و هند از جمله این کشورها هستند که با توجه به اختلافات دو کشور این پروژه دور از ذهن به نظر می‌رسد. بدین ترتیب صادرات گاز به صورت ال.ان.جی روش مطمئن‌تری خواهد بود. آمار واردات گاز ال.ان.جی به چین در مقایسه با خط لوله نیز نشان می‌دهد که واردات به صورت ال.ان.جی بسیار بیشتر است و کشور چین تمایل بیشتری به واردات گاز به صورت ال.ان.جی دارد؛ زیرا مشکلات قرارداد و توافق با سایر کشورها را از میان بر می‌دارد (بی‌نا، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۱).

با توجه به آن چه گفته شد، ایران به علت تولید ناکافی، مصرف زیاد داخلی و وجود تحریم‌های بین‌المللی تا به اکنون اقدام مؤثری برای صادرات گاز به چین به ثمر نرسانده است و در این زمینه از رقبای خود عقب مانده است (بی‌نا، پیشین: ۱۱). با این وجود چین در جهت سیاست تنوع‌سازی راه‌های مبادی انرژی خود در ایران نیز سرمایه‌گذاری کرده‌است. از جمله علت‌های مراوده چین با ایران فرصت‌های تجاری است که نصیب شرکت‌های چینی می‌شود زیرا ایران از معدود کشورهایی است که به شرکت‌های چینی مجوز سرمایه‌گذاری در بخش‌های بالادستی خود را صادر کرده است. چین در ابتدا از جمله کشورهای نادری بود که به تحریم‌های آمریکا علیه نفت و گاز ایران بی‌توجه بود و در این زمینه در ایران سرمایه‌گذاری‌های زیادی را انجام داد (ترابی و طاهری، ۱۳۹۰: ۶۶)، اما پس از بالا گرفتن مناقشات هسته‌ای در ایران و متحد شدن کشورها علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران، شرکت‌های چینی نیز انصراف خود را اعلام کردند. پس از مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵ و اتحادیه اروپا و رسیدن به توافق، برجام در سال ۲۰۱۵ بین طرف‌ها به امضا رسید. پس از این توافق، شی جین پینگ^۱ رئیس‌جمهور چین اولین رئیس‌جمهوری بود که سفر خود را به ایران انجام داد. در این سفر ایران و چین در مورد برنامه‌های ۲۵ ساله مشترک گسترش روابط با یکدیگر به توافق رسیدند. این برنامه درباره توسعه روابط اقتصادی، تجاری، نظامی و امنیتی و همکاری جامع استراتژیک بود. در ادامه دو کشور یادداشت تفاهم درباره همکاری دوجانبه در چهارچوب "کمربند اقتصادی جاده ابریشم" و ابتکار مسیر جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱" را امضا کردند (جیانگوبو^۲ و زژوانگ^۳، ۱۳۹۸: ۱۵۱). بدین ترتیب توسعه همکاری‌های بین ایران و چین بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در بخش گاز ایران مهیا می‌کند.

1. Xi Jinping

2. Xangbo

3. Xiang

نکته دیگری که می‌تواند موجب انگیزه مندی چین به سرمایه‌گذاری و واردات گاز از ایران شود، تقابل آمریکا و چین در دو جبهه متفاوت است. آمریکا از سال‌های دور برای تأمین انرژی و همراهی سیاسی، برخی کشورهای خاورمیانه از جمله عربستان را با خود همراه کرده است؛ به یقین چین نیز به علت اینکه مانع نفوذ بیشتر از این آمریکا در سایر کشورهای خلیج فارس شود و بتواند رشد اقتصادی خود را حفظ کند، به همکاری با کشورهای صاحب ذخایر خلیج فارس احتیاج مبرم خواهد داشت؛ از این رو چین برای تنوع در مبادی انرژی خود روابط اقتصادی گسترده‌ای با کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند عربستان، امارات و قطر دارد. اما در این میان، ایران به عنوان کشوری که دارای دومین ذخایر گازی دنیا است، یکی از بهترین گزینه‌های پیش روی چین است. اطلاع از این موضوع، می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را در مذاکرات با چین افزایش دهد. علاوه بر این داشتن منافع مشترک با کشوری همانند چین که براساس پیش‌بینی‌ها در آینده‌ی نه چندان دور تبدیل به بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا می‌شود، به نفع ایران نیز است (بی‌نا، ۱۳۹۳: ۲)؛ در نتیجه می‌بایست ایران با افزایش دیپلماسی با چین حضور این کشور در اقتصاد خود را پررنگ‌تر کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ مشخص شد که افزایش مصرف گاز در جهان بر اهمیت این ماده افزوده است. اگرچه مصرف گاز در سال ۲۰۲۰ به دلیل فراگیری بیماری کرونا و گرمای هوا روند کاهشی داشت اما روند کلی مصرف افزایشی است. ایران با دارا بودن دومین ذخایر گاز در جهان طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ و موقعیت جغرافیایی مناسب ظرفیت خوبی در استفاده از گاز دارد. بدین ترتیب ایران در زمینه گاز با کشورهای زیادی رقابت یا همکاری خواهد داشت. در بررسی موردی کشورهای روسیه و قطر به عنوان رقبای هند و چین به عنوان رابطه همکاری در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰، چنین نتیجه‌گیری شد که ایران به دلیل تولید پایین، مصرف بالای داخلی، دیپلماسی ضعیف و تحریم‌های آمریکا نتوانسته است از اهرم انرژی گاز در کنش سیاسی خود با این کشورها استفاده کند. ایران در مورد گاز به صورت بالقوه زمینه‌های همگرایی و واگرایی دارد اما تاکنون نتوانسته‌است از این ظرفیت‌ها در افزایش قدرت سیاسی و کنش‌های بین‌المللی استفاده کند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی:

- ابراهیم‌پور، جواد، «رقابت ایران و روسیه در زمینه تأمین انرژی جهانی: نگاهی بر دوره پساتحریم»، پژوهش ملل، ۱۳۹۵، شماره ۱۱، ۲۷-۴۰
- ابراهیمی، ایلناز، ۱۳۸۶، صادرات گاز طبیعی، فرصت‌ها و تهدیدها، تهران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
- احمدیان، قدرت، حدیث مرادی، «معادله انرژی در اوراسیا و عمل‌گرایی روسی»، مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۳۹۳، شماره ۷، ۲۱۹-۲۳۶
- انتظاری، یعقوب و حسن محجوب، «تحلیل توسعه اقتصاد دانش ایران بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، راهبرد فرهنگ، ۱۳۹۲، شماره ۲۴، ۶۵-۹۸
- بیلیس، جان، استیو اسمیت و دیگران، ۱۳۹۵، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، مترجم: ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران، ابرار معاصر تهران
- بی‌نام، «خط لوله جدید چین در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر موقعیت بازیگران منطقه‌ای»، گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ۲۴۳۶-۲۴۱۸
- بی‌نام، «تحولات صنعت گاز چین؛ فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی ایران»، ماهنامه امنیت اقتصادی، ۱۳۹۳، شماره ۵، ۱۱-۲۴
- جیانگوبو، سانگ، ونگ زژوانگ، «فعالیت‌های اقتصادی چین در ایران در چهارچوب ابتکار کمربند و جاده، فرصت یا چالش؟»، راهبرد سیاسی، ۱۳۹۸، شماره ۱۱، ۱۶۰-۱۴۷
- چیت‌ساز زاده، امیر حسین و سید غلام‌حسین حسن‌تاش، «مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری صادرات گاز طبیعی در چهارچوب مؤلفه‌های امنیت انرژی در روسیه، قطر و ایران»، راهبرد اقتصادی، ۱۳۹۹، شماره ۳۳، ۳۷-۶۹
- حسن‌زاده، محمد، ۱۳۸۳، جایگاه ایران در تجارت گاز طبیعی با نگاهی به فراروی، تهران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
- دیتل، گلشن، ۱۳۹۹، بازی بزرگ گاز، نگاهی به روابط هندوستان و تولیدکنندگان گاز طبیعی، ترجمه آذر بهبهانی‌نیا و ماندانا تیشه‌یار، تهران، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- روحانی، حسن، ۱۳۸۹، «سیاست خارجی و آینده نفت و گاز کشور»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱۳۸۹، شماره ۷، ۷-۳۸
- سلطانی‌فر، مسعود، ۱۳۸۹، گاز و نقش آن در توسعه، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی
- صادقی، سید شمس‌الدین، «راهبرد سیاست انرژی روسیه در اوراسیا: فرصت‌ها و موانع»، فصلنامه روابط خارجی، ۱۳۹۱، شماره ۴، ۲۱۹-۲۴۶
- صیادی، محمد، یونس خداپرست و محمدرضا امانی، ۱۳۹۵، امنیت انرژی و آینده بازار جهانی انرژی، تهران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد

طریقی، نوشین و ابوالقاسم طاهری، «دیپلماسی انرژی در اسناد راهبردی سیاست خارجی ایران»، سیاست جهانی، ۱۳۹۷، شماره ۲۶، ۲۶۱-۲۸۲

عسگرخانی، ابومحمد، «الزامات عملیاتی و مفهومی تدوین دیپلماسی انرژی»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ۱۳۹۰، شماره ۳

علیخانی، فرشاد، «منشور دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات همایش جهاد اقتصادی، ۱۳۹۰ غفاری، علیرضا، «زمینه‌های همکاری و واگرایی ایران و قطر از منظر بهره‌برداری از منابع نفت و گاز»، مجله پژوهش نامه اقتصاد انرژی ایران، ۱۳۹۴، شماره ۷۴، ۹۷-۱۱۶

مصاحبه با جناب آقای دکتر محمد حسین عادل (۱۴۰۱). دبیر اسبق مجمع کشورهای صادرکننده گاز مهاجرپور، حامد، «دیپلماسی چندجانبه ایران (مطالعه موردی: مجمع کشورهای صادرکننده گاز)»، سیاست خارجی، ۱۳۹۲، شماره ۱، ۱-۲۶

موسوی، سیده مریم، «جایگاه گاز طبیعی در اقتصاد و اشتغال کشورهای روسیه، قطر و ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳، ۶۶-۹۶

ورهرامی، ویدا و افسانه تهرانی، «تحلیلی بر صادرات گاز ایران به ترکیه»، دو ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۹۷، شماره ۹۲-۹۱، ۷۸-۹۲

ب) انگلیسی:

Adomeit, Annes, "Russia's Iran Policy: Constructive Engagement or Strategic Challenge?", 2006, Issue (3).

BP, "gas", www.BP.com, 2021.

IEA, "gas", www.IEA.com, 2021.

IMF, "world economic outlook", www.IMF.com, 2021.

Krane, J. and S. Wright, 2014, Qatar 'Rises above' its Region: Geopolitics and the Rejection of the GCC Gas Market 35. London, The London School of Economics and Political Science.

OECD, "data", www.OECD.com, 2021.

Sharples, Jack, "The social construction of Russia external gaspolicy", 2010, paper for presentation at university warwick, September.

World Bank, "data", www.World Bank.com, 2021.

